

# معلمان صاحب‌دیل

صاحب‌دلی به مدرسه آمد،

ز خانقاه.

بشکست عهد صحبت اهل طریق را؛

گفتم: «میان عالم و عابد

چه فرق بود؟

تا اختیار کردی از آن

این فریق را؟»

گفت: «آن گلیم خویش به در می‌برد

ز موج،

وین جهد می‌کند که بگیرد غریق را.»

سعیدی

اگر عالم یا دانشمند را آن کسی بدانیم که چیزی می‌داند و آن را به کسی که نمی‌داند می‌آموزد، همهٔ معلمان را - علی‌قدر مراتبهم - باید عالمان و دانشمندان و اندیشمندان جامعه به‌شمار آورد! و مگر جز این هم می‌تواند باشد؟ ما نمی‌دانیم مکتب‌ها، ادیان و مذاهبی که در آن‌ها «عبادت» معنای مورد نظر ما مسلمانان و اهل توحید را ندارد، در مقام مقایسه، علم را با چه عنصر یا مقولهٔ دیگری همبر می‌نشانند و یا آن را بر چه چیز دیگری ترجیح می‌دهند، اما می‌دانیم که در اسلام «علم» و «عبادت» قرین و چه بسا رقیب یکدیگر شمرده شده‌اند؛ که در این میان دانایان و آگاهان همواره بر فضیلت علم بر عبادت تأکید کرده‌اند. شگفت این است که در حالی که در قرآن کریم خداوند هدف از خلقت جن و انس را «عبادت» دانسته است نه «علم»: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (ذاریات)، باز هم قاطبهٔ علما و بزرگان دین، و در صدر آن‌ها رسول گرامی اسلام (ص) مقام علم را برتر از مرتبهٔ عبادت قرار داده‌اند. برای نمونه، این داستان مشهور را شنیده‌اید که روزی حضرت پیامبر (ص) به مسجد وارد شد. در یک گوشه جمعی را دید که به عبادت مشغول‌اند و در گوشهٔ دیگر جمعی را که به بحث و گفت‌وگوی علمی می‌پرداختند. آن حضرت فرمود: رسالت من تعلیم و آموزش است (بالتعلیم اُرسلت) پس به سوی جمع دوم رفت و در میان آن‌ها نشست!

آری، معلمان همان عالمان جامعهٔ خویش‌اند که دانسته‌ها یا دانش خود را به آنان که نمی‌دانند - دانش‌آموزان - می‌آموزند، با وجود این بجاست یادآور شویم همان‌طور که به قول مولوی: «از محقق تا مقلد فرق‌هاست»، میان معلمان هم فرق‌هاست.

هستند معلمانی که نقش مقلد را دارند. اینان را می‌توان همچون تابلوی راهنما در روز روشن دانست که اگرچه خود



گسترش علم، امروزه نه تنها در ایران، بلکه در همه جای جهان، معلمان نسبت به گذشته از جایگاه والاتری برخوردارند؛ چرا که مقام علم بس برتر از گذشته است و امروز به حرکت درآوردن چرخ عظیم جوامع بشری، بدون استفاده از علم و روش های علمی - اعم از علوم پایه، علوم فنی، علوم انسانی، علوم اجتماعی و... میسر نیست. براین اساس است که، در سراسر دنیا و از جمله در کشور ما، مردم با معلمان جامعه خود همدلی بسیار بیشتری از گذشته دارند و امر خطیر آموزش و پرورش را به خوبی قدر می دانند. اما برای ما معلمان ایران این غایت کار نیست، زیرا احساس می شود هنوز راه بسیاری را در پیش داریم تا جامعه معلمان - که خود بستر ساز جامعه علمی کشور و مربی نسل های آینده است - به نهادی بزرگ، فراگیر، تصمیم ساز و تأثیر گذار تبدیل شود تا بتواند بالاستقلال زمام حرکت علمی، اخلاقی و تربیتی جامعه را به دست گیرد. رسیدن به چنین جایگاهی البته در گرو همت همه معلمان است، ولی تردید هم نباید کرد که همدلی و همراهی عالمان، اندیشمندان و به ویژه دولتمردان را نیز طلب می کند.

با توجه به اینکه اکنون آخرین شماره مجله را در سال جاری تقدیم شما می کنیم، بیان چند نکته را در این حوزه لازم می دانیم.

۳ - در چند سال گذشته کوشیده ایم با معرفی معلمان بزرگ ایران با درج تصویر آنها روی جلد و همچنین با بیان شرح مختصر زندگی پاره ای از معلمان برجسته در حاشیه صفحات، در تکریم مقام معلمی بکوشیم. در این شماره نیز، علاوه بر معرفی شادروان استاد جعفر شهیدی، جمعی دیگر را در داخل مجله - به مناسبت ۱۲ اردیبهشت - معرفی کرده ایم. اگر ادارات آموزش و پرورش استان ها، ستاد بزرگداشت مقام معلم، مدیران و دیگر علاقه مندان همکاری کنند، در آینده نیز این روند را ادامه خواهیم داد.

۴ - شورای برنامه ریزی مجله رشد معلم می کوشد، ضمن تنوع بخشیدن به مطالب، نوشته هایی را در مجله به چاپ برساند که بتواند برای طیف وسیع معلمان و خوانندگان در همه سطوح آموزشی مفید و خواندنی باشد. این کار دشواری است که به هر حال با توجه به امکانات موجود انجام می گیرد و قطعاً می تواند با کیفیت بهتر و بیشتری نیز انجام شود. در اینجا، به ویژه از معلمان فرهیخته و دلسوز، درخواست می کنیم در این زمینه ما را از نقد و نظرهای خود بی نصیب نگذارند.

۵ - مجلات رشد که بالغ بر ۳۰ عنوان می شود تنها مجلاتی هستند که در یک شبکه توزیع بسیار گسترده و نهادینه شده در سراسر کشور توزیع می شوند و در اقصا نقاط ایران به دست شما و دانش آموزانتان می رسند. بخش قابل توجهی از این مجلات از سوی ادارات کل استان ها و شهرستان ها و مناطق خرباری می شود و در اختیار مدارس قرار می گیرد و در واقع این حسن استفاده ای است که از شبکه توزیع مجلات رشد به عمل می آید. جا دارد از مدیران ادارات اجرایی در استان ها از این بابت تشکر کنیم و تشکر ویژه ما از مدیران مدارس است که به اهمیت این مجلات - و البته مجله رشد معلم - وقوف دارند و آن را برای همکاران خود تهیه می کنند. بدروید

ایستاده اند اما بسیاری را راه می نمایند و به مقصد می رسانند و این خود، البته، ارزشمند است. معلمانی نیز هستند - و چه بسیار - که به تعبیر حضرت علی (ع) در مورد پیامبر خدا (ص) در یک جا ساکن نیستند و طیب سیارند: طیب دوازده بطنه؛ اینان همان شمع های فروزین یا فروزانی هستند که در شب تاریک می گردند، گمشدگان را به خود می خوانند و راه را به آنها نشان می دهند و خود نیز می سوزند.

این دو دسته معلم، هر دو راه باید همچون عابد و عالم گرامی داشت و قدر و منزلتشان را پاس داشت، اما به تفاوت کار و نقش آنها نیز نباید بی توجه بود. استاد شهید مرتضی مطهری را می توان نماد معلمان دسته دوم دانست؛ معلمی که البته در زمانه خود همگنان بسیار داشت و اگر او و همگنان او نبودند انقلاب اسلامی به ظهور و بروز نمی رسید و جامعه ما چنین دچار تحول و دگرگونی نمی شد. مطهری معلم جامعه بود؛ معلمی که صفت هایی چون «بشیر» و «ذئیر» و بسیاری از دیگر صفات یک عالم آگاه به زمان را در خود داشت و تا آنجا که توانست به رسالت خود عمل کرد تا به مقام شهادت نایل آمد. هم از این روست، شاید، که هر ساله، روز شهادت او، نه به روز سوگ و سوگواری، که به روز جشن بزرگ مدارس ما در سراسر کشور تبدیل می شود و شور و شعری به همراه می آورد. ما نیز این روز را به همه شما عزیزان - از آموزگاران تا دبیران و مدرسان و استادان و مدیران و معاونان و مربیان مدارس - تبریک می گوئیم و آرزو می کنیم همان طور که حضرت سعدی علیه الرحمه می فرماید، شما همان «صاحب دلان» ای باشیید که مدرسه هاتان می تواند در تلاطم زندگی کنونی «غریق» های بسیاری را نجات دهد و به ساحل امن هدایت و آگاهی برساند.

۲ معلم را باید تکریم کرد و در بزرگداشت او - و نیز بزرگداشت علم و عالم - کوشید؛ نه تنها در روز یا هفته بزرگداشت مقام معلم - ۱۲ اردیبهشت - بلکه در همه ساعات و دقائق و همه روزهای سال. اما نخستین کسی که باید معلم را تکریم کند خود معلم یا جامعه معلمی است و آنگاه شاگردان و دانش آموزان و سپس جامعه. خوشبختانه، به برکت



حسن انوری  
(۱۳۱۳)  
معلم، مؤلف

استاد حسن انوری که امروز چهارهائی برجسته در تعلیم، تألیف، تحقیق و فرهنگ نویسی است، در کتاب آذربایجان غربی به دنیا آمد. نوجوانی اش در کشاکش وقایع آذربایجان (۱۳۳۵) گذشت و در نتیجه به طور مرتب به مدرسه نرفت و مدرک تصدیق ششم ابتدایی گرفت و در مغازه پدرش به کار مشغول شد و طی چند سال، تازمانی که او را برای معلمی دعوت کردند، فقط کتاب خواند و کتاب خواند در مجموع او به طور خودآموز خود را به دانشگاه تهران رساند و تاسریافت مدرک دکترای پیش رفت، وی سال های را در دبیرستان های تهران و سپس دانشگاه علم و صنعت تدریس کرد و همزمان به همکاری با سازمان کتابهای درسی پرداخت که از رهگذر آن به تألیف کتابهای فارسی در همه سطوح (از ابتدایی تا دانشگاه) دست زد و در این کار، کارنامه ای درخشان از خود به جا گذاشت. کار سترگ حسن انوری در دو دهه اخیر، همانا تألیف دستور زبان فارسی (۲ جلد) و مجموعه گزیده هایی از آثار بزرگ ادب فارسی (با و بدون همکاری با دیگران از جمله حسن احمدی کیوی و دکتر جعفر شعار) و سپس تألیف چندین جلد فرهنگ برای کودکان تا بزرگسالان است؛ فرهنگ بزرگ سخن (۸ جلد) - فرهنگ فشرده سخن (۲ جلد) - فرهنگ کنایات (۲ جلد) - فرهنگ کوچک سخن (۲ جلد) - فرهنگ کودکان و فرهنگ دانش آموزان. استاد حسن انوری عضو هیئت فرهنگستان زبان و ادب فارسی است.